

نه دور نه نزدیک هم دور هم نزدیک!

هیوا علیزاده

طراح آموزشی و پژوهشگر

مشابه اجرا می‌کنند.

برای مثال، در کشور فنلاند برخی از مدارس برای مدت کوتاهی دانش‌آموزان خود را با هم تعویض می‌کنند و همین امر فرصتی می‌شود تا دانش‌آموزان در همان سال تحصیلی و در کنار هم کلاسی‌هایشان، فضای آموزشی دیگری را با معلمانی متفاوت تجربه کنند.

در کشور ما نیز می‌توان سفر بین مدارس را به‌عنوان یکی از برنامه‌های گردشگری تعریف کرد که مدرسه هدف می‌تواند از مدرسه‌ای در همان شهر ولی در منطقه‌ای دیگر تا شهر یا استان دیگر را شامل شود.

چنین سفری می‌تواند بسترهای یادگیری متنوعی ایجاد کند که محور آن خود دانش‌آموز است.

سرآغاز

آیا سفر دانش‌آموزان یک مدرسه به مدرسه دیگر می‌تواند از جمله برنامه‌های اردویی نظام آموزش و پرورش باشد؟ اگر اردوی گروهی از دانش‌آموزان را بازدید از یک مدرسه در نظر بگیریم، چه پیامدهایی برای رشد دانش‌آموزان می‌تواند داشته باشد؟ آیا می‌توان موضوعات آموزشی را با برنامه‌چنین اردویی، یعنی رفتن به مدرسه‌ای دیگر، تلفیق کرد؟

شرح ماجرا

نویسنده این نوشته بر آن بوده است که درباره پرسش‌های بالا، ایده‌هایی را با شما در میان بگذارد که به احتمال زیاد خود بستری برای ایده‌پردازی است، برخی از آن‌ها نیز ممکن است یادآور نمونه‌هایی از داخل و خارج کشور باشند که برنامه‌های



بایاید با توجه به تجربه‌هایی که از دوره دانش‌آموزی و با همراه بودن با دانش‌آموزان در سفرها داریم، از خود بپرسیم که در اردوهایی که هدف، بازدید از شهری دیگر است، دانش‌آموزان چندبار فرصت این را دارند که با دانش‌آموزان هم‌سن و سال خود در آن شهر گفت‌وگو کنند یا اینکه مدرسه آن‌ها را از نزدیک ببینند و یا در کلاسی با معلمی متفاوت در شهری دیگر بنشینند؟ چقدر در اردوها بر این موضوع تأکید می‌شود که در شهر مقصد چه مدرسه‌ها و مراکز آموزشی‌ای وجود دارد؟ چه امکاناتی برای دانش‌آموزان آن شهر در نظر گرفته شده است؟ دغدغه دانش‌آموزان این منطقه در مدارس چیست؟ مدرسه این امکان را تا چه حد فراهم می‌کند که در سرزمین پهناوری همچون ایران، همدیگر را بیشتر بشناسند و با علایق یکدیگر در جاهای مختلف آشنا شوند؟ و ...

حال فرض کنید به یک اردوی دانش‌آموزی رفته‌ایم و محل اسکان دانش‌آموزان مسافر، مدرسه‌ای در شهر مقصد است. از قبل، هماهنگی‌هایی بین دو مدرسه در زمینه‌های مختلف صورت گرفته است؛ به این ترتیب که فرصت‌هایی برای تعامل دانش‌آموزان ایجاد شود. برای مثال، میزبانی از دانش‌آموزان در مدرسه به عهده خود دانش‌آموزان است و کارها با همکاری آن‌ها پیش می‌رود. اینکه در مدرسه میزبان تقسیم کارهایی بین تعدادی از دانش‌آموزان صورت گرفته است تا آن‌ها قبل از ورود میهمان‌هایشان برای پذیرایی آماده باشند. پذیرایی شامل این هم خواهد بود که همچون یک راهنمای گردشگری، جاهای مختلف نظام آموزش مدرسه از معرفی کارکنان تا فوق برنامه‌ها را برای میهمان‌ها توضیح دهند.

همچنین، در مدرسه میزبان برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته تا نمایشگاهی از صنایع دستی و خوراک و پوشاک آن منطقه ترتیب داده شود و میهمان‌ها بتوانند از آن بازدید کنند و از نزدیک با حال و هوای مردم آن شهر آشنا شوند. همچنین، در همان نمایشگاه می‌توان غرفه‌ای ترتیب داد که دانش‌آموزان میزبان برخی محصولات را که خود ساخته‌اند، برای فروش ارائه دهند. علاوه بر این، غرفه‌ای وجود داشته باشد که مشاهیر آن شهر، از شاعر و نویسنده و روحانی و ورزشکار و ... را با عکس به میهمان‌ها معرفی کند. به علاوه، می‌توان غرفه‌ای برپا کرد که مربوط به ایجاد ارتباط بین صفحات کتاب درسی و آن شهر باشد. برای مثال، اگر مدرسه میزبان در شیراز است، می‌توان تصاویری از کتاب درسی را که مربوط به آنجاست در این غرفه نمایش داد.

در مدت اقامت میهمان‌ها، می‌توان طوری برنامه‌ریزی کرد که دانش‌آموزان بازی‌های محلی آن منطقه را در کنار هم تجربه کنند. همچنین، مسابقه‌هایی ترتیب داد که خود می‌توانند به توشه‌هایی برای کوله‌بار خاطرات تبدیل شوند.

در طول اردو، می‌توان نشست‌ها و کنفرانس‌هایی برای دانش‌آموزان میزبان ترتیب داد تا در آن‌ها مکان‌های مختلف

شهرشان، از مراکز گردشگری گرفته تا دانشگاه‌ها را معرفی کنند. همچنین درباره مسئله‌هایی که با آن‌ها رو به رو هستند، از جمله کمبود کتاب‌فروشی و زمین ورزش و ... صحبت کنند و در همین راستا جلسات پرسش و پاسخی بین میهمان و میزبان برگزار شود که شاید طی آن دو طرف، زمینه‌هایی را ببینند که بتوانند در آن‌ها به همدیگر یاری رسانند.

همچنین، گردشگری در سطح شهر می‌تواند با حضور و همراهی دانش‌آموزان میزبان صورت گیرد. آن‌ها که با شهر، قصه‌ها و خاطره‌هایی دارند، و می‌توانند طی بازدید از مکان‌های دیدنی، آن‌ها را با میهمان‌هایشان در میان بگذارند.

خوب است فرصتی هم برای دانش‌آموزان میهمان برای ارائه در نظر گرفته شود که بتوانند احساس خود را از اینکه در چنین فضایی بوده‌اند بیان کنند و همچنین میزبان را برای بازدید از شهر و مدرسه‌شان دعوت کنند.

چنین تعاملاتی قبل از اینکه میهمان‌ها در مدرسه حاضر شوند تا پس از آن، بسترساز یادگیری مهارت‌هایی همچون مهارت‌های ارتباطی و همکاری و همچنین تفکر انتقادی و خلاق است و این تعاملات می‌تواند با وجود فضاهای متنوع اینترنتی تداوم نیز داشته باشد.

مدرسه با چنین برنامه‌ای بستر رشد چند جانبه را برای دانش‌آموزان خود فراهم می‌کند؛ بستری که در آن دانش‌آموزان هر دو مدرسه با مسئله‌های گوناگون، از آماده‌سازی یک برنامه گرفته تا تفاوت‌های فرهنگی، رو به رو خواهند شد و در تمام این دوره به حل مسئله خواهند پرداخت؛ مسائلی که در مسیر درک و حل آن‌ها نه تنها دانش‌آموزان بلکه معلمان و مسئولان هر دو مدرسه رشد خواهند کرد.

خلق چنین تجربه‌هایی علاوه بر گسترش وسعت مدرسه فراتر از دیوارهایش، می‌تواند باعث شکل‌گیری زنجیره‌ای از دوستی‌ها و خاطره‌ها شود. اینکه فرد به‌طور ملموس خود را به جامعه یادگیرنده بزرگ‌تری متعلق بداند و از جمله محصولات این ارتباط و حس تعلق، چه بسا احترام گذاشتن به تفاوت‌ها باشد؛ احترامی که رسیدن به مفهوم آن از جمله اهداف آموزشی برنامه درسی کشور ماست. به امید افزایش مدارس که درهایشان را به روی میهمانانی از مدارس دیگر باز می‌کنند.

* پی‌نوشت

۱. برنامه‌های جابه‌جایی دانش‌آموز (student exchange program)، بعد از جنگ جهانی دوم و در پاسخ به نیاز «افزایش درک افراد از سایر فرهنگ‌ها و تاب‌آوری در برابر تفاوت‌ها و گسترش افق‌های اجتماعی افراد» عمومیت پیدا کردند. در این برنامه‌ها که به‌صورت کوتاه‌مدت مثل «مدارس تابستانی» یا بلندمدت و یا حتی به‌صورت مدرسه جهانی «global school» (مدرسه‌ای که سفر می‌کند و هر نیم‌سال را در یک کشور به سر می‌برد) ارائه می‌شوند، افراد با اقامت در کشور میزبان (به‌صورت فردی یا گروهی)، با فرهنگ و تاریخ آن کشور، از نزدیک آشنا می‌شوند و تجاربی زیسته از سکونت در دل فرهنگی متفاوت، کسب می‌کنند.

